



سرنوشت متفاوت «امیر ابراهیمی» و «فکور صبور» بیاپید جامعه‌ای بزرگوار بسازیم...

گروه‌هایی از کاربران فضای مجازی که نسبت به گفتمان دینی حاکم بر جامعه تعلق خاطری دارند تصور کردند که این موفقیت و موج به وجود آمده درباره آن، نوعی دهن کجی به ارزش‌های اسلامی محسوب می‌شود و وظیفه خود دانستند که به هر صورت ممکن به این رویداد واکنش منفی نشان دهند؛ خواه با بی ارزش نشان دادن جایزه اعطا شده به خانم امیر ابراهیمی، یا سوگیری نسبت به ارزش‌های هنری فیلم.

نویسنده این یادداشت، همانند اکثریت قریب به اتفاق کسانی که هفته گذشته را به قلم فرسایی درباره فیلم «عنکبوت مقدس» پرداخته‌اند، این فیلم را ندیده و بر خلاف ایشان، قضاوت درباره آنچه ندیده را رفتاری متناسب با جایگاه انسان قرن بیست و یکم نمی‌داند.

این یادداشت قصد دارد زاویه‌ی کمتر دیده شده این ماجرا را به تصویر درآورده و مخاطب را به اندیشیدن درباره آن دعوت کند.

«امیر ابراهیمی» در سال ۱۳۸۵ با بحرانی مواجه شد که کمتر کسی می‌تواند از آن جان سالم بدر ببرد. فیلم روابط خصوصی او به شکل وسیعی در جامعه پخش می‌شد و از بین رفتن آبروی یک انسان دل هیچ یک از دغدغه‌مندان دین را به ترحم درباره این ماجرا وا نمی‌داشت.

درباره بی‌اعتنایی نسبت به ستم روا داشته شده بر «زهره امیر ابراهیمی» همین بس که عامل انتشار این فیلم که بعدها بر اثر سرطان درگذشت، به برنامه زمان افطار صداوسیما دعوت شد تا درباره ایمان به خدا در شرایط سخت بیماری سخن بگوید.

«امیر ابراهیمی» از ایران رفت و در جامعه‌ای که کوچکترین آشنایی با آن نداشت از ابتدا آغاز کرد و مسیر سخت پیش روی خود را پشت سر گذاشت، تا پانزده سال بعد که موفق به دریافت جایزه از معتبرترین فستیوال سینمایی جهان شد.

به باور نگارنده آموزنده ترین نکته‌ای که فارغ از تمام حواشی این ماجرا و قضاوت‌های صورت گرفته درباره آن برای جامعه ایران وجود دارد این است که چگونه می‌توان با بالا بردن ظرفیت اخلاقی جامعه و پذیرش خطای افراد، زمینه بازگشت آن‌ها به زندگی و درخشش ایشان را فراهم آورد.

تصور کنید از شما سوال شود: «اگر "امیر ابراهیمی" در ایران می‌ماند، چه آینده‌ای در انتظارش بود؟» آیا جز تاریکی چیزی به ذهن تان می‌رسد؟ این «تاریکی» نمایانگر بن بست است که افراد مواجه شده با چنین بحران‌هایی در جامعه ایران در آن گیر خواهند افتاد.

«سریال نرگس» آخرین حضور «زهرا امیر ابراهیمی» بر صفحه نمایش در ایران بود. او نقش خود را در کنار «زهرا فکور صبور» ایفا می‌کرد. «امیر ابراهیمی» در حالی بر روی صحنه جشنواره کن مورد تقدیر قرار گرفت که چند ماه پیش از آن «فکور صبور» در مواجهه با بحرانی که از سوی پاپاراتزی‌های میهنی برایش به وجود آمده بود، تصمیم گرفت به زندگی خود پایان دهد.

درباره این دو سرنوشت متفاوت می‌توان بسیار اندیشید و راهی برای مواجهه بزرگوارانه با اتفاقات اجتماعی آموخت. واقعیت این است تا نتوانیم جامعه‌ای بزرگوار بسازیم، نباید امیدی به آینده آن داشته باشیم.